



واکاوی جایگاه «پله»

در معماری ذهن هنرمندان و اهالی فرهنگ با نگاهی به فیلم‌ها، کتاب‌ها و عکس‌ها

طبقه چهارم، بدون آسانسور!

← آن کسی که نخستین بار مصرع «رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود» به ذهنش خطور کرد و بعدها مثل رایجی شد، شاید هیچ‌گاه گمان نمی‌کرد که این مصرع، زمینه‌ساز طراحی یکی از سازه‌های حیاتی در ساختمان‌ها در تمام دنیا باشد. «پله»‌ها به طراحی‌ها و شکل‌های مختلف در دنیای امروز از مصادیق زیباسازی ساختمان محسوب

می‌شوند و امروز دیگر کمتر مهندس و طراح ساختمانی است که به «پله» ساختمانش، به مثابه فرصتی برای هنرنمایی در ایده و خلاقیت نگاه نکنند. «پله»؛ این مهجور دنیای تکنولوژی، خیلی زود با همه‌گیر شدن آسانسور از رونق افتاد و به امکانی برای مواقع ضروری یا قطعی برق، تقلیل یافت اما نقش آن به گونه‌ای است که هرگز نمی‌توان آن

را از معماری ساختمان حذف کرد. چنان که نقش تاریخی «پله»‌ها در عالم فرهنگ، هنر و ادبیات را نیز نمی‌توان از یاد برد. می‌پرسید «پله» چه ربطی به هنر و ادبیات دارد؟ گزارش این هفته «خرت و پرت» را بخوانید تا ببینید میان هنرهای مختلف، فیلم‌ها، عکس‌ها و کتاب‌ها چه رابطه عمیقی با «پله» وجود دارد.



↑ واکین فنیکس با رقص مشهورش در نقش جوکر روی این پله‌ها در نیویورک سیتی، این پله‌ها را به یکی از جاذبه‌های توریستی آمریکا مبدل کرد. فضای مجازی پر است از عکس‌هایی که کاربران در شبکه‌های اجتماعی روی این پله‌ها گرفته و به اشتراک گذاشته‌اند.



↑ فرهاد «در دنیای تو ساعت چند است» روی همین پله‌ها به گیل گل ابتهاج آن قالب پنی‌ر را تعارف می‌کند. بعد، با شوخی‌های کسل‌کننده فرهاد، گیل گل ناراحت می‌شود و همه چیز از دست می‌رود، کاغذ پنی‌ر هم بر باد!

ماجرای مشهور شدن یک پله معمولی

احتمالاً اگر بعد از خواندن پاراگراف ابتدایی گزارش این هفته، بخواهید با فکر خودتان به دنبال مصادیق استفاده از «پله» در فیلم‌ها و کتاب‌ها بگردید، به عنوان یکی از اولین نمونه‌ها، رقص جوکر روی پله‌های خیابانی در شهر نیویورک به یادتان خواهد آمد. جوکر که در فیلم نقش او را واکین فنیکس بازی می‌کند، در حالی که آهنگ «Rock and Roll Part 2» گری گلیتر در پس‌زمینه در حال پخش است، رقص کنان از این پله‌ها پایین می‌آید. این صحنه چنان عالی و تأثیرگذار بوده که بعد از نمایش فیلم، به طور گسترده به عنوان یک گیف در شبکه‌های اجتماعی به کار گرفته شد. این پله‌ها که خیابان‌های شکسپیر و اندرسون را در خیابان ۱۶۷ غربی شهر نیویورک به هم متصل می‌کند، امروز دیگر به یک جاذبه گردشگری مشهور تبدیل شده که حتی آزدگی

ساکنان منطقه برانکس را در پی داشته است. دسوس نایس، کم‌دین آمریکایی که یکی از مجریان برنامه «Desus & Mero» است، در توثیتی در مورد هجوم مردم برای دیدن این پله‌ها چنین گفته بود: «به عنوان یک فرد ساکن برانکس، به شکل قانونی اجازه دارید و تشویق می‌شوید که از هرکسی که از این پله‌ها دیدن می‌کند مالیات بگیرید.» از جوکر که بگذریم، در سینما از مفهوم «پله» به عنوان نماد و نشانه نیز کم استفاده نشده است. وودی آلن در فیلم معروفش «منهتن» ساکنسی دارد که خود او و ماربل همینگوی، در منهتالیه سمت چپ تصویر روی کاناپه نشسته‌اند و نقطه مقابل این دو در سمت راست یک پله ماریج دیده می‌شود. تمام اتاق تاریک است و تنها دو چراغ، یکی بالای سر دو بازیگر و دیگری بالای

پله‌ها روشن است و بیننده عملاً تنها دو کاراکتر و پله را می‌بیند. این صحنه زمانی از حیث نمادگرایی بررسی می‌شود که بدانیم «پله» در تفکر فرویدی، نمادی از رابطه جنسی است و ماریج بودن پله‌های «منهتن» در حقیقت بیانگر روابط پیچیده بازیکر مرد فیلم است. در سینمای خودمان هم «پله» تأثیرگذار کم نداریم. به یاد بیاورید ساکنسی از فیلم «در دنیای تو ساعت چند است؟» به کارگردانی صفی یزدانیان را، آنجا که لیلای حاتمی و علی مصفا روی پله‌هایی سفید و رنگ و رو رفته بندر انزلی، با هم صحبت می‌کنند. مصفا (فرهاد) پنی‌ری‌تر و تازه را از لای کاغذی درمی‌آورد و به حاتمی (گلی) می‌دهد. آن کاغذ در ادامه بر باد می‌رود و مای بیننده مسیر حرکت کاغذ را روی پله‌های بندر انزلی به تماشا می‌نشینیم.